



تورم ۴ عامل، ۹ راهکار

همزمان با رشد نرخ تورم که براساس گزارش‌های اخیر بانک مرکزی به آستانه ۲۰ درصد نزدیک‌تر شده، بخش خصوصی با چالش افزایش هزینه‌های تولید و کاهش سود مواجه شده است. طبیعی است که این چالش در ابعاد کلان نیز اقتصاد ایران را از نزدیک شدن به سطح مطلوب اشتغال کامل ناکام خواهد گذاشت. این در شرایطی است که مطابق اهداف برنامه چهارم توسعه، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و نیز ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد ایران به رغم نظریه بسیاری از کارشناسان، در آستانه رخداد یک انقلاب اقتصادی و جهش به سمت اشتغال کامل عوامل تولید قرار گرفته است. بنابراین شناسایی ریشه‌های افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و از میان بردن آنها در شرایط فعلی که نرخ تورم در اقتصاد ایران از سطح تورم طبیعی به عنوان عاملی برای تحرک بخشی به عوامل تولید به شدت پیشی گرفته است، یک ضرورت جدی است.

تزیق نقدینگی در بخش اقتصادی بدون افزایش عرضه کالا و خدمات که به علت رشد تقاضا در مقابل ثبات عرضه کالا و خدمات و یا رشد کمتر آنها نسبت به حجم نقدینگی تزیق شده، باعث افزایش قیمت‌ها و تورم می‌گردد که عوامل این امر می‌تواند در موارد زیر نهفته باشد:

۱- بزرگی بدنه دولت در مواردی که تأثیری در تولید و عرضه خدمات نداشته و به عنوان خدمات عمومی و دفاعی و امنیتی، تامین هزینه آن‌ها بیش از مالیات قابل وصول و در نتیجه از محل استقراض و چاپ اسکناس تامین شود.

۲- چنانچه فعالیت‌های بخش تولید به دلیل شرایط اقتصادی یا سیاسی زبان ده شوند، مجموعه فعالیت‌های بخش تولید - اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی - به دلیل پرداخت‌های بیشتر از تولید به دست آمده (در شرایط زیان‌دهی با تزیق نقدینگی) تورمزا خواهد بود.

۳- سرمایه‌گذاری‌های عمرانی مانند راهسازی و سدسازی که معمولاً مورد تقاضای مردم و در

هوشنگ فاخر

۱- با اصلاح قوانین مربوطه و افزایش بهره‌وری، افزایش حقوق کارکنان دولتی یا بخش مردمی حتی‌الامکان از محل درآمد حاصل از افزایش بهره‌وری تامین شود تا در عین افزایش حقوق و رفاه حقوق بگیران، افزایش درآمد ایشان باعث افزایش قیمت‌ها و تورم نشود.

۲- به دلیل سیاست‌های انقباضی سیستم بانکی از یک طرف و رشد هزینه‌های تولید اعم از مواد اولیه، حقوق و دستمزد، انرژی و حمل و نقل اکثر واحدهای تولیدی، به دلیل کمبود تنخواه به تدریج تولیدشان کاهش می‌یابد به گونه‌ای که با ظرفیت‌های تولید زیر ۵۰ درصد به کار ادامه می‌دهند و این امر باعث افزایش قیمت تمام شده و افزایش قیمت‌ها می‌گردد که در نتیجه افزایش قیمت‌ها و تورم ناشی از آن، قدرت رقابتی با

نتیجه حمایت نمایندگان مردم در قوه مقننه و فشار دولت‌ها برای اجرای چنین پروژه‌هایی می‌باشد، چون بازده کند و استهلاک سرمایه‌گذاری انجام شده از محل عواید حاصله معمولاً درازمدت (۳۰-۲۰ ساله) است، هزینه انجام آنها باعث رشد نقدینگی بدون عرضه کالا و خدمات (عرضه سالیانه اندک نسبت به سرمایه‌گذاری انجام شده) می‌شود که عامل ایجاد تورم و مشکل اساسی کشورهای در حال توسعه است.

۴- قوانینی که تصویب آنها عامل افزایش هزینه‌های دولت و بخش مردمی (خصوصی) است، به ترتیبی باشد که تولید خدمات و کالای به دست آمده صفر و یا کمتر از هزینه افزایش یافته باشد. حال با توجه به موارد فوق، راهکارهای زیر برای رفع عوامل تورمزا متصور است:

کالاهای رقیب وارداتی را از دست می‌دهند و این امر ضمن افزایش تدریجی قیمت تمام شده واحدها و تورم، آنها را تا سرحد تعطیلی هدایت می‌کند.

حال در کشور ما به دلیل وجود حدود ۱۲ درصد نیروی کار فاقد شغل که می‌توانند به صورت تمام وقت یا پاره وقت کار تولیدی یا خدماتی انجام دهند (به شرط وجود امکانات اشتغال) با پشتوانه ظرفیت خالی واحدهای تولیدی، بشرط تزریق منابع مالی به واحدهای تولیدی و خدماتی دارای ظرفیت خالی می‌توان ضمن ایجاد درآمد برای نیروی کار به دلیل افزایش تولید و عرضه کالا با ارزشی بیش از نقدینگی تزریق شده، امکان کاهش قیمت‌ها و تورم را فراهم کرد، چون در چنین حالتی تقریباً هزینه‌های ثابت هر واحد تولیدی برای افزایش تولید صفر بوده و فقط هزینه‌های متغیر تولید افزایش می‌یابد در نتیجه، باعث بهبود شرایط واحد تولیدی و کاهش قیمت تمام شده و تورم خواهد شد.

متأسفانه در کشور ما همیشه افزایش نقدینگی عامل تورم معرفی شده در حالی که افزایش نقدینگی در کشورهایی که در حال اشتغال کامل نیروی کار و واحدهای تولیدی و خدماتی به سر می‌برند، این اصل صادق است ولی در کشور ما و یا کشورهای مشابه این رابطه برعکس بوده و افزایش نقدینگی به شرط تزریق آن در بخش تولید، عامل کاهش قیمت محسوب می‌شود.

لذا تزریق منابع مالی و خروج واحدهای تولیدی از کار در ظرفیت پایین و سود ده شدن آنها ضمن آن که حرکت آنها از تورمی به ضد تورمی تبدیل می‌شود، مالیات دریافتی از محل سود ده شدن آنها به دلیل کاهش و یا از بین رفتن نیاز دولت به استقراض و انجام هزینه‌های جاری، عامل دیگری برای کاهش تورم خواهد بود.

۳- پس از تامین نقدینگی لازم و اشتغال مورد نیاز در ظرفیت کامل سه شیفته، می‌توان با استفاده از طرح چهار شیفته کردن واحدهایی که قادر به فروش محصولات خود اعم از بازار داخلی یا صادرات یا ترکیب آنها باشند، به شرح مندرج در گزارش تهیه شده در اتاق تریز ضمن افزایش شاغلین به میزان حدود یک سوم نیروی کار موجود به دلیل عدم رشد هزینه‌های ثابت واحد و قیمت تمام شده کالا، تورم افزایش نخواهد یافت. لازم به ذکر است که این روش بدون نیاز برای سرمایه‌گذاری جدید و افزایش خطوط تولید، در اسرع وقت میسر است.

۴- افزایش فرصت‌های شغلی و در نتیجه، اشتغال افراد بیشتری از خانواده به جای تحمیل کل هزینه روی دوش سرپرست خانواده، خود عاملی برای ارتقای سطح زندگی خانواده‌ها با نیاز کمتر به افزایش دستمزد و در نتیجه اثرات تورمی افزایش مزدها خواهد بود.

۵- سیاست افزایش ارزش ریال چون خارج از مکانیزم عرضه و تقاضای ارز حاصل از صدور کالاهای غیرنفتی و با تزریق ارز حاصل از فروش نفت (سرمایه ملی) محقق می‌شود، به دلیل کاهش قدرت رقابتی تولیدات داخلی و تعطیل تدریجی تولید کشور و بیکاری نیروی کار شاغل در آنها، باعث افزایش نیاز به واردات، تخلیه ذخایر ارزی کشور و سپس افزایش بی‌رویه نرخ ارز یا بهتر بگوییم، کاهش شدید ارزش ریال در آینده و در نتیجه، باعث شوک تورمی خواهد شد. اگر مجموع صادرات کشور حدود ۷۰ میلیارد دلار باشد، درآمد سرانه هر نفر در سال حدود ۱۰۰۰ دلار و ماهیانه حدود ۸۳ دلار خواهد بود که در صورت تعطیل تولید داخلی به علت رشد واردات، دولت محترم قادر به حفظ سطح زندگی مردم ایران در شرایط فعلی نخواهد بود.

۶- ایجاد فرصت‌های شغلی به شرح فوق باعث کاهش بار مالی دولت جهت تامین معاش بیکاران و در نتیجه، کاهش هزینه‌های تولید جهت استقراض و یا با فراهم شدن امکان پرداخت بدهی‌ها و کاهش هزینه‌های مالی استقراض هر دو این فرایندها عاملی ضد تورمی خواهند شد.

۷- کاهش هزینه سود تسهیلات بانکی (و به تبع آن کاهش هزینه‌های غیربانکی) موجب کاهش هزینه‌های مالی، مواد اولیه، انرژی و حمل و نقل و در نتیجه، باعث کاهش قیمت تمام شده و تورم خواهد شد. این امر حداقل در سال اول اجرا باعث کاهش قیمت‌ها و استمرار این روند خواهد شد. در کنار این حرکت، به دلیل گسترش بازارهای داخلی و صادراتی و در نتیجه امکان افزایش تولید و کاهش قیمت تمام شده، زمینه مناسب دیگری برای کاهش قیمت‌ها و افزایش درآمد مالیاتی کشور فراهم خواهد شد.

در ضمن به دلیل حجم بالای بدهی دولت به سیستم بانکی و غیربانکی، کاهش هزینه سود تسهیلات عامل کاهش هزینه‌های مالی دولت، کاهش نیاز به استقراض و تورم خواهد شد. چنانچه با تصمیم قاطع دولت محترم، تقلیل نرخ سود تسهیلات در سنوات اخیر عملی نمی‌شد، به طور مسلم افزایش قیمت‌ها و تورم به مراتب بیش از شرایط فعلی رخ می‌داد.

۸- از آنجایی که دولت محترم برای پرداخت‌های ریالی خود ناچار از فروش ارز حاصل از صادرات نفت می‌باشد، برای احتراز از ورود کالاهای مصرفی و رقابت با تولیدات داخلی و فراهم شدن مشکلاتی که هم اکنون قابل لمس است، می‌توان قسمتی از ارز مورد نظر را به صورت مدت‌دار به بانک‌ها واگذار و در مقابل آنها را مکلف به گشایش اعتبار نقدی جهت واردات مواد اولیه و قطعات یدکی واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، معدنی و کشاورزی به شرط فروش اقساطی آنها به

مدتی بین ۶ ماه تا یکسال به بخش تولید کرد تا با ارزان وارد شدن مواد اولیه:

الف- هزینه تامین مواد اولیه واحدهای تولیدی و در نتیجه، کاهش قیمت تمام شده میسر شود.

ب- تامین مواد اولیه کافی با تسهیلات پرداخت، امکان تولید، فروش، وصول وجه و پرداخت اقساط مواد اولیه در حداکثر ظرفیت تولید فراهم شده و باعث کاهش قیمت تمام شده و تورم شود.

۹- از آنجایی که در فاصله سنوات ۸۶-۸۰ حقوق کارگران ۲۲۲ درصد افزایش یافته ولی یورو و ارزهای مشابه حدود ۱۰۰ درصد افزایش ارزش پیدا کرده‌اند، توان رقابتی تولیدات داخلی تضعیف شده و در نتیجه، اقبال به کالاهای وارداتی رشد کرده است. در صورت افزایش نرخ ارزهای معتبر مانند یورو تقریباً به میزان ۵۰ درصد ارزش فعلی، ارزش کالاهای وارداتی تقریباً معادل افزایش هزینه حقوق که بالنسبه بر روی سایر هزینه‌های تولید اثر گذاشته، افزایش یافته و توان رقابتی تولیدات با کالاهای وارداتی تقریباً معادل سال ۸۰-۸۱ خواهد شد و این امر باعث کاهش واردات و افزایش تولید داخلی و اشتغال خواهد شد.

برای جبران افزایش قیمت ارز می‌توان با اعطای کمک هزینه در پرداخت قسمتی از سود تسهیلات واحدهای تولیدی از طریق بانک‌ها (از صندوقی که افزایش نرخ ارز در آن واريز شود) با کاهش هزینه‌های مالی آنها و نزدیک کردن آن به نرخ بهره بین‌المللی که رقبا پرداخت می‌کنند، امکان رقابت قیمتی تولیدات داخل را در بازارهای داخلی و صادراتی فراهم و زمینه رشد و توسعه کشور را ایجاد کرد.

بدیهی است چنین حمایتی از بخش تولید، عامل هدایت سرمایه‌های سرگردان از بخش دلالی به بخش تولید و سرمایه‌گذاری خواهد بود.

توسل به ابزارهای موصوف جهت افزایش تولید و کاهش قیمت تمام شده، می‌تواند برای کاهش قیمت تولیدات و تورم موثر بوده و عامل احتراز از اثرات منفی میان مدت و بلندمدت تقویت پول ملی باشد، که یک حرکت عجولانه کوتاه‌مدت برای کاهش قیمت‌ها ولی طرحی فاجعه آفرین در میان مدت و درازمدت است.

افراد کشور چنانچه فرصت شغلی مناسب داشته باشند، قادر به تحمل تورم خواهند بود ولی در شرایط بیکاری حتی در صورت عرضه کالا به قیمت زیر ۵۰ درصد قیمت فعلی نیز قادر به خرید و ادامه زندگی نخواهند بود لذا در تصمیم‌گیری بین کاهش تورم و قیمت‌ها یا حفظ اشتغال، اولویت انتخاب با روش‌هایی است که بدو باعث حفظ و حتی رشد اشتغال کشور برای احتراز از رشد بیکاری می‌شود.

